

مردی معمولی با ۴۰۰ قتل

جزئیات هولناک از زندگی «چارلز کالن»

قاتل زنجیره‌ای آمریکایی که ۴۰۰ نفر را با

تزیق بیش از حد کشت

و چندین فیلم درباره‌اش ساخته شده است

پرونده

ترکیب پرستار و قاتل حرفه‌ای، ترسناک و نامانوس است، ولی «چارلز کالن» آمریکایی به این تصویر هولناک، واقعیت بخشیده است. او ۱۶ سال در نیوجرسی آمریکا به عنوان پرستار مشغول کار بود و بعد از دستگیری، به قتل بیش از ۴۰ نفر با تزریق حجم زیادی دارو (اوردوز) اعتراف کرد. هر چند مصاحبه‌های بعدی او با پلیس، روان پزشکان و روزنامه‌نگاران نشان داد تعداد کسانی که او با این روش به قتل رسانده، رقم هولناک‌تری است و به ۴۰۰ نفر می‌رسد. چارلز در حین اعترافات خود، جزئیات زیادی از قتل آن‌ها را به یاد داشت، ولی نمی‌توانست نام همه آن‌ها را به خاطر بیاورد. حتماً برایتان سوال است که چرا و چگونه پرستار به قاتل زنجیره‌ای تبدیل شده و چه سرنوشتی برای او رقم خورده است؟ بخش عمده‌ای از آن چه از «چارلز کالن» یک «قاتل هولناک» ساخته، مربوط به گذشته اوست. در این پرونده جزئیات بیشتری از زندگی او را می‌خوانید و به پاسخ بیشتر پرسش‌هایتان درباره این شخص مرموز و ترسناک خواهید رسید.

از کودکی تا جوانی عجیب و غریب

چارلز

مرور زندگی و گذشته یک قاتل تا حد زیادی تکلیف «چراها» را درباره آن فرد روشن می‌کند. چارلز متولد ۱۹۶۰ میلادی است و الان ۶۲ سال دارد. او هشتمین و آخرین فرزند یک خانواده معمولی ایرلندی بود. چارلز هفت ماهه بود که پدرش آدموند که یک راننده اتوبوس بود، درگذشت. با این اتفاق زندگی برای خانواده او سخت‌تر شد. او به همه می‌گفت در دوران کودکی «بدبخت» بوده است. شاید به همین دلیل وقتی ۹ ساله بود بانوشیدن مواد شیمیایی دست به خودکشی زد و مدعی شد بارها توسط هم کلاسی‌ها و دوستانش آزار و اذیت شده است. او چند سال بعد وقتی وارد دبیرستان شد مادرش را هم از دست داد.

درس‌ها را ترک کرد و بعد از ثبت نام در نیروی دریایی آمریکا و گذراندن معاینات روان‌شناختی و آموزش‌های اولیه در ناوگان زیردریایی مشغول کار شد. حضور او در این ناوگان هم دوامی نداشت و وقتی ۲۴ ساله بود از نیروی دریایی اخراج شد. زمان زیادی نگذشته بود که چارلز تصمیم گرفت در رشته پرستاری بیمارستانی «مونتر» ثبت نام کند. او بعد از دانش‌آموختگی، کارش را در بخش سوختگی یک مرکز پزشکی شروع کرد و این نقطه شروع زندگی کاری او به عنوان پرستار و البته قاتل بود!

در امان نبودن هیچ چیز و هیچ کس

از «چارلز»!

او وقتی ۲۴ ساله بود و دانشجوی پرستاری، در یک فروشگاه زنجیره‌ای مشغول کار شد. همان‌جا با دختری به نام آدریان باوم آشنا شد و در ۲۷ سالگی با او ازدواج کرد. عمر این ازدواج فقط شش سال بود. بعد از آن باوم به علت «بی‌رحمی افرای» همسرش درخواست طلاق داد. او در درخواست خود نوشته بود وقتی از چارلز خواسته که درجه حرارت خانه را کم کند او آن قدر دمای خانه را بالا برده که قابل تحمل نبوده است! پیش از این هم، باوم از همسرش به دلیل خشونت خانگی شکایت کرده و گفته بود کالن یک الکلی است و مصرف الکل توسط او موقعیت‌های خطرناکی را ایجاد می‌کند. البته او در شکایتش به آزار و اذیت دو سگ خانگی توسط کالن هم اشاره کرده بود! همسایه‌ها هم این اخلاق ترسناک کالن را تایید می‌کنند. همسایه‌ای او در مصاحبه با رسانه‌ها او را فردی تنها توصیف کرده بودند که اغلب در خودش است یا مردی که رفتارهای عجیبی از خود نشان می‌دهد و با سگ‌ها بدرفتاری می‌کند. یکی از همسایه‌ها گفته بود: «او نیمه شب از خانه بیرون می‌آید و گرگ‌ها را دنبال می‌کند و سر آن‌ها داد می‌زند و با خودش صحبت می‌کند.»



سرنخ قتل‌ها در تزیق‌های اوردوزی

چارلز ۲۸ ساله بود و در پرستاری، تازه کار. او اولین قتل را در سنت بارناباس با تزریق دوز بیش از حد یک داروی وریدی به بیمار رقم زد. قربانی بعدی او یک بیمار مبتلا به ایدز بود که به دلیل تزریق بیش از حد انسولین توسط چارلز، درگذشت. او شیوه‌های مختلفی را برای به قتل رساندن افراد انتخاب می‌کرد و



علاقه به بیمارترین

بیماران

در شیفت‌های شبانه!

چارلز کالن همیشه سعی داشت خود را موجه جلوه دهد، به طوری که وقتی دانشجوی پرستاری بود به عنوان نماینده کلاس انتخاب شده بود. هر چند این موقعیت نمادین بود، اما به او برای تثبیت جایگاهش کمک می‌کرد. چارلز گر اثر روزنامه‌نگاری که کتاب «پرستار خوب: داستان واقعی طبابت، جنون و قتل» را درباره واقعیت‌های زندگی کالن نوشته در بخشی از این کتاب آورده است: «چارلز طی ۱۱ سال ۹ موقعیت شغلی را تجربه کرد. طبق گفته یکی از همکاران سابقش، او هیچ حرفی درباره زندگی خصوصی‌اش نمی‌زد و در پاسخ به پرسش‌هایی نظیر این که «متاهل است یا مجرد؟» به جواب‌های یک کلمه‌ای بسنده می‌کرد. روزی را که چشم‌به‌خوردی کالن افتاد خوب یادم است. آن روز با خودم گفتم، خدای من، بالاخره به چیزی درباره چارلز کالن می‌دویم، می‌دانم که ماشینش چه شکلیه. نیویورک تایمز هم در گزارشی درباره او نوشته بود: «او در بخش‌های مراقبت‌های ویژه و قلب، جاهایی که مرگ معمولاً در کمین بیماران است و پر از بیمارانی است که به شدت بیمار و اغلب در کما هستند، کار می‌کرده است. چندین قاتل سریالی بیمارستانی در شیفت‌های شبانه کار می‌کردند و بیمارترین بیماران از علاقه‌مندی‌های آن‌ها بودند.»

رو شدن دست قاتل توسط عشق خیالی

کالن ۴۲ ساله شده بود، ۱۰ سال از جدایی‌اش می‌گذشت و در مرکز پزشکی سامرست شروع به کار کرده بود. چارلز در این مرکز با پرستاری به نام «ایمی لافرن» آشنا شد و قصد داشت که عشقش را به لافرن ابراز کند. کارآگاه‌های پلیس که رد چارلز را زده بودند لافرن را پیدا کردند و از او خواستند با آن‌ها همکاری کند و با چارلز قرار ملاقات بگذارد. با توجه به کمک‌های زیادی که چارلز به ایمی کرده بود باور این که او قاتل باشد برای ایمی دشوار بود، اما به مرور پذیرفت به پلیس برای کشف رمز این جنایت‌ها کمک کند. ایمی لافرن با استفاده از اسناد بیمارستان، شیوه کار کالن را به دست آورد

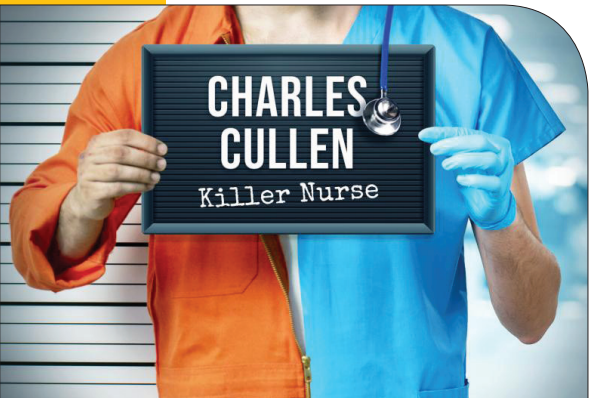
و با کارآگاهان در میان گذاشت، اما کالن اقرار نکرد. این طور شد که در دسامبر سال ۲۰۰۳،



یکی از دردناک‌ترین آن‌ها قتل هلن دین ۹۱ ساله بود که بعد از جراحی سرطان پستان به اتاق ریکاوری منتقل شده بود. کالن در این اتاق به هلن چند دوز داروی کشنده تزریق کرد و او روز بعد بر اثر ایست قلبی درگذشت. لری پسر هلن همان زمان از چارلز کالن شکایت کرد ولی راه به جایی نبرد و سرانجام در سال ۲۰۰۴ وقتی جسد هلن برای انجام آزمایش‌های بیشتر، نبش قبر شد چارلز به قتل او اعتراف کرد. نفر بعدی، مردی ۷۸ ساله بود که بعد از پریدن غذا

ضعف سامانه گزارش‌دهی

دست راست چارلز!



شاید سوال بسیاری از افراد این باشد که قتل‌های چارلز کالن چگونه ۱۶ سال دوام آورد و با توجه به تعداد بالای قتل‌ها، استرس دستگیری و لو رفتن نداشت. دلیل اول به انتخاب‌های او برمی‌گشت. او بیشتر، کسانی را انتخاب می‌کرد که حال زار و نزاری داشتند و مرگ آن‌ها دور از باور نبود. روزنامه نیویورک تایمز دلیل دوم را در آخرین بررسی‌هایش از این پرونده این طور اعلام کرد که این مسئله بیشتر به دلیل «ضعف» در سامانه گزارش‌دهی در سطح دولتی و فدرال برای کارکنان بخش بهداشت و سلامت بوده است. بر اساس این سامانه، بیشتر کارفرمایان از انتقال اطلاعات منفی، حتی درباره افرادی که اخراج کرده‌اند، خودداری می‌کنند؛ زیرا می‌ترسند که کارکنان سابق به دلیل تهمت و افترا از آن‌ها شکایت کنند. البته دستگیری کالن سبب خیر شد و تغییری در این سامانه اتفاق افتاد. ریچارد کدی فرماندار وقت نیوجرسی در سال ۲۰۰۵ در پاسخ به اخبار مربوط به جنایت‌های کالن، قانون مسئولیت حرفه‌ای مراقبت‌های بهداشتی و افزایش گزارش‌ها را امضا کرد. او الزام‌ها و حمایت‌های جدیدی را برای افراد سازمان‌ها در نظام مراقبت‌های بهداشتی ایجاد کرد تا کارکنان مواردی که ممکن است جان بیمارانشان را به خطر بیندازد، گزارش دهند.

کارآگاهان با نصب یک میکروفن روی لباس لافرن از او خواستند به اتاق دادستانی برود و با چارلز صحبت کند. لافرن درباره این دیدار گفته است: «هنوز باشتی احساس گناه می‌کنم. من او را تا حدی فریب دادم. به او گفتم که کارآگاهان از من هم بازجویی می‌کنند و پام به این ماجرا کشیده شده است. یادم است به او گفتم که بگو اولین قربانی‌ات که بود؟ آیا مدت‌ها قبل اتفاق افتاده یا به تازگی؟ و او شروع کرد به صحبت کردن.» کالن یک اعتراف ۷ ساعته می‌کند و بعد از آن لافرن، پرستاری را با عذاب وجدان شدید برای همیشه کنار می‌گذارد.

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

پنجشنبه ۳ آذر ۱۴۰۱
۲۹ ربیع الثانی ۱۴۴۴ • ۲۴ نوامبر ۲۰۲۲
شماره ۳۱۰۸۹

۲۳۰۹



قتل از روی ترحم

انگیزه ترسناک چارلز!

دست چارلز کالن رو شده بود و چاره‌ای جز اقرار نداشت. او متهم بود که با استفاده از دوزهای مرگبار دارو تعداد زیادی از بیماران را در ایالت‌های نیوجرسی و پنسیلوانیا به قتل رسانده است. آدم‌کشی‌های چارلز برای ۱۶ سال در زمان خدمت او در ۱۰ سرای سالمندان و بیمارستان ادامه داشت. او پنج بار از این مراکز اخراج شد، اما هر بار در محل دیگری کار پیدا کرد. مراکز درمانی مختلفی که چارلز در آن‌ها کار کرده بود وقتی متوجه می‌شدند با حضور او تعداد مرگ‌ها زیاد شده و او اخراج می‌کردند، اما برای حفظ اعتبار خودشان به پلیس و رسانه‌ها چیزی نمی‌گفتند و همین موضوع فرصت را برای جنایت بیشتر در اختیار چارلز قرار می‌داد. چارلز در دادگاه با خانواده قربانی‌ها روبه‌رو می‌شد و از چگونگی قتل آن‌ها پرده برمی‌داشت، اما انگیزه کالن از این قتل‌ها خیلی عجیب بود. او در مصاحبه‌ای گفته بود که همه این قتل‌ها را از روی ترحم انجام داده است. او در این مصاحبه گفته است: «فکر می‌کردم که با مرگ دیگر رنج خواهند کشید و به نوعی به آن‌ها کمک می‌کنم.» برخی از قربانیان کالن بیمارانی بودند که آخرین مراحل زندگی‌هایشان را می‌گذراندند و از نظر سلامت و وضعیت خوبی نداشتند. وقتی در مصاحبه‌ای از چارلز درباره این موضوع پرسیدند، او گفت: «هدف من این جاعالت نیست. کاری که من کردم عدالت نبود. فکر می‌کنم تنها چیزی که می‌توانم بگویم این است که در آن زمان حس درماندگی داشتم.»

ابد و یک روز حبس متوالی



مهم‌ترین سوالی که درباره چارلز کالن پیش می‌آید این است که او به چه مجازاتی محکوم شد و وضعیت کنونی او چیست. ابتدا قرار بود طبق نظر دادستان دادگاه‌ها در سال ۲۰۰۶ میلادی، کالن

به اعدام محکوم شود، ولی او همه جنایت‌هایش را فاش نکرده بود. در نهایت او با قول به دادستان‌ها در برابر اقرار به همه جنایت‌هایی که مرتکب شده بود، توانست از مرگ فرار کند و به ۱۱ بار زندان ابد در زندان نیوجرسی محکوم شد و تا سال ۲۰۰۳ یعنی ۳۸ سال دیگر و اجد شرایط آزادی مشروط نیست. فیلم‌سازان زیادی سراغ ساخت زندگی چارلز کالن رفته‌اند. فیلم «پرستار قاتل» در سال ۲۰۰۸ به نویسندگی و کارگردانی اولی لومل و فیلم سینمایی «پرستار خوب» محصول ۲۰۲۲ ساخته توبیاس لیندهولم از تازه‌ترین ساخته‌های سینمایی بر اساس زندگی کالن است. همچنین مستندی به نام «چارلز کالن: کشتن برای مهربانی» از زندگی کالن ساخته و از یکی از شبکه‌های تلویزیونی انگلیس پخش شد. هر چند زندگی فردی مانند چارلز کالن را نمی‌شود در یک فیلم ۹۰ دقیقه‌ای خلاصه کرد و نیاز به مدت‌ها نگاه و بررسی روان شناسانه دارد.

منابع: فرادید، independent، bbc news و...